

۹۲۱



کتابخانه باقر قرقی
شماره ~~۹۲۱~~

۱۰۲

کتاب - ۸۱
شماره ۹۲۱

بازدید شد
۱۳۸۴

۱۰۰۵۱ - ن

کتابخانه مجلس شورای ملی		
کتاب: سفرنامه دکتر کریم خان لاریجانی		
مؤلف: محمد حسن میرزا احمدی		شماره ثبت کتاب
موضوع: ...		۸۶۴۹۰
شماره قفسه: ۹۹۴۵		

۹۹۳۵

خطی - فهرست شده
۹۹۲۵

بسم الله الرحمن الرحيم



بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

صورت کتابچه وراپورت مسافرت منازل بیت و دوکانه از شهر شیراز به
وفا و داراب و جهرم و خوسف و کواری مراجهت بشیراز است که حب
جهان طاع عیض حضرت غل الفی رواج العالمین له العدا که بتو بیت حضرت
مستطاب اجل اکرم امین سلطان غیظ غم طله و با شجابه جاب جلا التاب
اجل اکرم مخبرالدوله وزیر علوم و ام قباله و در زمان مامور مالی حضرت
مستطاب اشرف الاشانه و معتمد الدوله العلیه میر تومان حکمران فارس و ام
بما موریت و مسلم این خانه زاد دولت ابد مدت قاهره محمد حسن میرزا منتهی قاجار
مطابق شهر شوال المکرم تو شقان بل ضربت دلیل است که صورت خستام مذ پزفته است

۱۶۲

کتابخانه مجلس شورای ملی
تاسیس ۱۳۰۲

کتابخانه مجلس شورای ملی
تاسیس ۱۳۰۲

کتابخانه مجلس شورای ملی
تاسیس ۱۳۰۲

بسم الله الرحمن الرحيم
 منزل اول کنار پل فاصله با این شهر شیراز پل به فرسخ تمام پس از حرکت
 از شهر از دروازه ضامنخانه وضع راه کاهری در هشتاد و پنج غری است و کاهری
 مایل بخوب شرقی و کلبه از کنار در هشتاد و پنج مایلی فارسی میگردان
 صحرا را با ملک شوباز از نامند قریب دوازده مسافت چمن شوره زاری است که در
 درستان بخودی خود آب دهد و عبور از آن عالی از رحمت نیست و تا یکده
 راه دیده میشود و با جاده چندان ساقی ندارند و در راه ذیل است

سمت بین سمت ببار
 قلعه بزرگیم در میان اوجدار جعفر آباد شیخان پورده سهرابک حضرت شاهزاده
 در تمام است و در راه کاهری حرکت کند و چندان تیزی ندارد و کاهری بعضی از
 مرز را عتقاد و پیمایی و میخانه که خارج آن مبلغ پنجاه تومان برآورده

و نام

بنا صند کفر شک از شهر در کنار جاده قریه جعفر آباد و مکی حاج میرزا کریم حضرت دیده
 میشود این قریه مثل است بر قلعه آباد چهل خانه و ارمی دو قنات شیرین عمارت آباد
 و باغ شجر میوه دارد که اغلب میوه جات سواهی مرکبات در آن موجود است و کار و کسب
 قافله انداز و درخت آن غله و تریاک و لی اسال کی از آن از کت زده و تا پل فاصله
 دو فرسخ است محل اردو در کنار پل معروف به پل فاست و آبادی ندارد این پل
 بر روی سبزه آبی بسته شده که از حوالی کوه پسین پوشان می آید و نه چشمه نیست
 که به شک ساخته اند و در پستان آب آن با تمام خشک شود ولی در پستان بهار
 زیاد دارد اما کوار نیست و آب مشروب باید از قریه ده نوحه منسکی این نقطه محل شود
 در محاذات پل نقطه کوهی است معروف به پورده که برشته کوه مهار لوصل شود و
 این نقطه کمی آمو و کاهی شکار بز و قوچ و در پستان بندرت گیاه یافت کرد و
 قرار نزدیک این پل در پستان بر چادر منزل نمایند و کاهی فی زار کنار این سیاه
 که از دور دیده شود پس و رسات اردوی مبارک را از توابع شوباز اردو و مکی جاب
 قوام الملک با تهنیت نمایند

منزل دوم

منزل دوم اردوی مبارک قریه بخسار لو مست قریه بهار لو مکی نصیر الله وله و کنت
دریانی ملک واقع شده فاصله باین پل فاصله قریه بهار لو چهار فرسنگ تمام است
پس از حرکت از پل اه دو شعبه شود از طرف باین بلوک نصیر الله آباد و شعبه دیگر
بهار لو و سر وستان و دو وضع راه بقیه بهار در امتداد جنوب غربی است و بلا فاصله
از صحرا صاف سطحی کویر و شوره زار عبور نماید که در رستمان بی اندازه کل شود و پل
یک فرسنگ و نیم به باغ کوهی سد که راه از بغله و خنک ساسی بهار است و بعضی طاق
باید از ساحل آبی دریای ملک گذشت و قریب نیم فرسنگ بهین قلم است و بعد
از دریا قریب پانصد فرسنگ دور شود و زرع خنک ساسی چرخ آبی بلوک چرخ نماید و شود
و بعد بزرگ عثمای چرخ آبی بهار لو رسید و در تمام مسافت دریا که قریب شش فرسنگ
و دو فرسنگ کم و بیش عرض دارد نمایان آب آن اغلب از چشمه ساکنار کوه
وسط خود دریاست که جوشش نماید و غالی از صفایست و پس از آن باغات آباد
بهار لو پدید شود بهار لو قریب شش فرسنگ بر دویت فانوار عبت بومی باغات شجر که
اغلب آنها انار و خجیر و کمی نوت است و آب آن از چشمه های کوهی است که فاصله
آن آبادی ربع فرسنگ مسافت دارد و اکثر آنها غیر شرب است محصول آنها غله

مس

صنعتی تر باک اسال هم عیبی ندارد است قریب و نیز کوه سفید دارند و آن برکش آنها از
تمام ندارد و کجی طاق و در این آبادی است شکار و پرورش گاو و گوسفند و بهار لو همیشه
موجود در کوه سار جنب قریه اشجار جنگلی انار و خجیر و بادام را تربیت کرده اند و پیوند زده
از خود آبادی یا نمایان منظر خوشی دارد و بومی این تیره کریم بواسطه دریا غنوت تمام
کالکه تقریباً در این است و حرکت میکند مگر قدری سنگلاخ مانعست و پوزه کوه
دریا باید ساخت و اصلاح تمام باین و منزل مبلغ **دو سِت و بیست تومان است** قریه
بهار لو خیلی خرابه بنظری آید و لیکن باالی آن مرفه الحال و متمول اند

منزل پنجم

منزل پنجم اردوی مبارک قریه خیر آباد است خیر آباد مکی میرزا احمد خان کار گذار است
فاصله بهار لو و خیر آباد چهار فرسنگ راه آن در امتداد جنوب تا پل شربی است
پس از حرکت از منزل آبی بهر فرسنگ تمام در کنار زرع عثمای آبی و دیمی جو و حبسار کوه
میشود از طرفی ناکوه نیم فرسنگ و از طرفی نادر یا نیم فرسنگ است حرکت کالکه را چند
مانعی نیست جز آنکه سنگلاخ شدید است و بر چیدن سنگها و چنبد پل و خنک
معادل **یکصد و چهل تومان** خرج دارد و در اغلب راه با قریه مکه آب آید ایافتد

یک میدان بود که مانده راه و شیبه شود یکی بطرف خروجه و یکی به سوی پستان
 کوه طرفین یکی چنگل است و در آن کار کوهی پازنی گنات و در جلگه کنار دریا
 یافت شود در این حد و در این تمام رسیده بود که در عرض او باغ مختصری
 شود و بوی این قریه بجا قیامت دارد پس از گذشتن از نو که راه در آمدند از راعما
 مختلفه است بعد و از کوه بر طولانی کرد و دو ما خیر آباد باید از زمین کوه بر عبور کرد و
 زمستان بایسته کل با تلاق رحمت دارد و قراعت للمی کوه بنجان زراعت چشمه نجر
 و چادرهای ابل با صری فاصله نیم فرسنگ کم و بیش در بین آب زرمند است
 خیر آباد مشغل است بر قلعه کشته مخروطه بدون اشجار و بنا و خانواری بومی آب آن
 رسته قنات غیر کوار است که نیم فرسنگ آب دارد و زراعت آن غله و تریا که هم
 آب و هم از چاکشیده شود کار و انسرای پستی مخروطه و در نزدیکی قلعه است کوهی
 بحد و در وسط صحرا فاصله ربع فرسنگ از قلعه پدید است معروف بخرمن کوه و اقرا
 مذکور کنار در آن همه نوع موجود است در حوالی این اه و مستند بود که زیاد فراوان
 اصل این قلعه در جلگه سطحی است که بسیار خوش منظر است

منزل چپارم

منزل چپارم اردوی مبارک قصبه سرو پستان است فاصله با بن خیر آباد و سر پستان
 سه فرسنگ است راه آن در امتداد جلگه وسیعی واقع شده که دوات آن کوه
 کلیه در این جلگه است اغلب راه از کنار دوات قصبه و سمت بین مانند سواد
 و کتو و حسین آباد و کتو کتبید میکند و غیر از این از دیگر دوات بسیار است
 و بدو میشود و تمام راه از وسط راعات و انهار و قنات مختلفه است تا از
 سرو پستان شوند و مخارج تعمیر آن مبلغ **شصت تومان** است سرو پستان
 از دو آبادی متصلا یکدیگر است یکی معروف به ترکنت و یکی جناب حاج نصیر
 که قریب سیصد خانوار جمعیت دارد و دارای اشجار میوه دار و دیگر قصبه
 موصوف به برزوست که اصل سرو پستان و تمام این آبادی باغات
 بسیار است که قریب نیم فرسنگ محاط است محدوده و در حقیقت سر پستان
 نه سرو پستان این قصبه برزوست است بر چهار صد خانوار جمعیت و بیت
 و کالین لازم و سه باب حمام و یکت بکینه و آب انبار بزرگ و عمارتی معروف
 بحسینه که محل حکومت و اغلب این آبادی بحکم حضرت معتمد الدوله به تمام
 علیخان فاجار که حاکم آنجا است انجام یافته و حتی جایی بسیار با صفا و گنبد

و کلیه دارایی چهار رشتیه قنات و چشمه است برف از دفرسخی در باستان جل
 کوه همت شمال آن معروف بسر کوه خد و کوه جنوب بکو کشتاب جنگل معروف
 بشدید در چهار فرسخی آبادی واقع شده مردمانش اغلب با کمال حرفه ملکی دور
 و مدامالی مرغوب مخصوص بسروپستانست کوه چاهی آن اکثر وسیع و تمام درب
 خانه بار اجلا حکومت سفید کرده اند تمام بولک سروپستان قریب به سیصد و پنج
 فرسخ است سیصد جات آن با دام و اکو و وسایط کرده و و انار و نخل است مرکبات
 بعلل آید معدن نمک ممتازی در حوالی سروپستانست که با طراف حمل شود بکو
 سروپستان بایداست ولی مرغوب نیست زراعت آنرا کمتری زراعت زده است
 باب مسجد متوسط در این آبادی است شکار آن فستق و انار و صابون و در کوه و
 و پازن موجود است

منزل پنجم

منزل پنجم اردوی مبارک محل معروف بمیان جنگل است فصله باین این
 منزل چهار فرسخ است نیم تمام است پس از حرکت از سروپستان گذشتن از
 بغات راه در هشتاد و جنوب شرقی و از جلگه بانسبب فرازی است که اغلب آن

طریق

جنگل است تا به اسپهان و کف چینه پس از آن با کثیر پستک یک راه در باهور
 و امنه تپه است و جنگل سروستان این جنگل در ای تپه ای حاکم و شجاریست کوهی
 و با دام مرغوب میباشد و چندان نبوده نیست و آب بسیار و فربه ترکت از دره این جنگل
 و تپه جاری و بسیار است باین برج قرا و لحظه که دو فرسخی سروستان است رسیده
 ده نفره بکشی جبری در این اول پستان این نقطه بواسطه آب و چمن اشجار و دور نما
 این جلگه عالی از صفا نیست شکار بکشت قوچ و بز و گوسفند و گاهی خوک در آن
 موجود است راه کالک تا اینجا سومی بادی جنگل عینی اردو و تمبر آن در چمن نقطه
 این محل **سیصد تومان** است پس از حرکت از قرا و لحظه تمام راه الی جلگه کار و بهر
 جدید البستان میان جنگل که از بناهای مرحوم مغالکات است قریب و فرسخ است نیم
 باهور بادی جنگلی و گردنه و نیش و از جنگل سخت جنگل یکدزد و معروف جنگل
 شدیده است و تمام آنرا بایتمیر نمود و قریب سیصد تومان خرج دارد و ابد آن
 و آبادی در این جسد و دینیت تا دفرسخی کاروانسرا اندک آبی و قنات کوه چاهی
 شود و باین آب ایل جبری کن این محل زراعت مینماید جلگه کاروانسرا بسیار کم در
 و اما مراد با بقعه محمد در آن اقصیه و خود کاروانسرا تمام و آبادی باینجا فاصله هم در

نیت و در کفر پس یکی این مکان قریب و قریب نمایان است که محل قلاق باصری ملک جناب
 توأم المملکت است و قریب نیت خانوار باصری در پستان سکنی دارند و در پستان
 جد و آن عاود دارند اطراف این جگه را از جهات اربعه کوپستان جنگلی شدید احاطه
 نموده است و آبادی می دهد و می شود مسافین از طرف فناء و سر و پستان باید تمام او است
 عین مال خود را محل با نیت نمایان نگار این جگه و خط را و بز و پازان کلبه است
 یکت نیز گاهی نیت شود درین جگه محل اردو بواسطه و نیت و آب کمی علف و چمن خالی
 اعتبار نیت و تا شرفش فرسک مسافت

منزل ششم

منزل ششم اردوی مبارک شرف است فاصله باین جای جنگل و تا شرف فرسک است
 آن در آمدن از جنوب شرقی و گاهی جنوبی است پس از حرکت از منزل قریب نیز یک جگه
 سنگلاخی است بسیار سخت پس از آن شروع شود بگذراند جاران بارش و نمایی به
 دار و پستی که قبل از تعمیر از کالپکه حرکت کند در شکله که جناب توأم المملکت از اینجا
 اولاً به او رنج و ثانیاً با ملک جمیت و رحمت عبور میدهند پس از دو فرسک و نیم کار و پسر
 سگی خرابه رسد که منزل مستطوره و کمی آب و چمن مختصری اردو و مخارج آن این کار و سفر

کثیر اردو و استیجاء توان با و رفته است و آب غلات آباد اردو و فرسکی محل
 مختصر آبی هم که است در پستان جنگله در کلبه این مسافت جز جنگل آبادی و محوطه نیت
 مبار که ایالت خیمه بر سلاطین میزند معینا چیت دیوی از این نقطه است و پس از حرکت
 مکان که در آمدن و گذر و پستان جنگل و چمنی و جنوب شرقی است و بعد جالی کفر سنگ نیم
 باید راه سازی نمود بعد شروع باین جگه میرسد که پس کلاخ شدید می آید برین فرسک
 بقا ماند آب یافت شود در این نقطه نهر آب قریب آب یک ملاحظه شود و مخارج آن فرسک
 الی فاب روی هم **ششصد پنجاه توان است** و واضح باشد محل اردو و نیت در خارج شهر
 سمت جنوب است که دارای این صفات آب و کمی اشجار است شهر شملت بر چینه
 متصله بهم مانند خود فناء و کوکشت قاضی و دیرنی و شیخ آباد و بانجون و غیره
 که تمام آنها از فئات شروب شود و چهار نیت از باغات شجر مرکبات و غنیمت چنان
 و سر و غلبه بو غایت تابستانی لیکن بهیچ آب ندارد خود فناء و دارای کبیر از غنیمت
 جانوار جمیت بومی و پسر صدهاب و کالین لازمه و سه حمام و پنج باب مسجد و نیت
 اکثر فاضل حرمه و کمی دوزخی آن معتبر و کوزه و ساری آن نیز مرغوب شکار آن در دوا
 توبوخ ادعانی و بز فاد و بر می است و سه فرسکی شهر است و آمدن و کلبه آن نیز فاد و

در تابستان زاین کوه گاهی برف حمل نمایند ایلات عرب باصری در بار و بایر افریقا
چون گشتند آنها را انگشده در خاک کرم زینت برین کوه دیده میشود که خراب و انحلال
آتش حال آب غایب میشود و سواهی این بلوک در تابستان بسیار کرم و کوا سطح بخیل زبانه
خرمای آنم چند این خراب نیست بدست میخ و زنگنه زراعت اینجا را خسارت بسیار
و انجا پس لشکر حاصل نموده است زراعت آن قلعه و نریاک و خرم و مرکبات است
که با طراف حمل شود کاه و کوسفند آنها بقدر معاش االی است نه زیاد تر میشود
مال بارگش آنها جسته الان نیست مع مصری از شش سال در حدود و دار آب بود
هر سال آنها را می کشند امسال نابود شد و باین حد و وسعت نمود و ضرر کثیر
رسانیده حتی نریاک را فاسد کرد زراعت تنباکوی فارس نابودی تمام نیست غایب
بود و کوه سلبه و رمی میکنند ساکن فنیاب شدند مالیات این بلوک سیزده هزار تومان

منزل هفتم

منزل هفتم اردو می بلوک نوبت کانتست بفرستند کان مکی مغرب انخافان
علی خان ابست و جمعی دیگر نیز شرکت دارند این قریه جز فساد حاصله باین
دو منزل سه فرسخت راه آن دره است از جنوب شرقیت پس از حرکت از

فساد وضع راه از قمرادیل است غیر شکاک که از فساد و ریشخند اول بر سبیل آمد و
رشد که معروف پرو و نمک کرم است که بل لار نمند اردو و در جیل و روستا
کوشک قاضی نموده میشود پس از شش فرسخ قریه بام در وسط راه آباد و باغانی
پدید شود پس از آن االی نوبت کان جلگه غلبه شود که بعضی بخت بلند می آید
در عرض راه آباد می دیده میشود مگر درین جاده فراخست کوشک و صحرا رود
و غیاث آباد و محمود آباد بفاصله ربع فرسخ است از راه نمایان میشوند
کلیه در تمام راه آب موجود و انسیل دیگر می کشند فراخست دارد و باین
نمود حرکت عراده با کمال عمرت و جاده اربابین اراضی زراعت که خیلی کم
عرض است و انقشده و باید از نهرهای مخصوص جدا اول بمباره آنها که شست و
چندین پل چوبی ساخت و شب پشته چاهها را کم نمود یعنی که تمام طول نهر از
جاده صحیح یافت نشود و در بسیاری از نقاط پیشک جاده را باید بر چند تعمیر
با جلگه نوبت کان **چاه صد و پنجاه و دو است** نگار این جلگه است و در
و این کوه توج و شانه کباب پازن موجود است زراعت این بلوک غلبه و نریاک
و صیفی است االی امسال تمام از این خورده است ایل نمیدی درین صحرا چاه در راه

نوبندگان از قلاع مستقیمه فارس در دو قلعه داخله یکدیگر را در خانه رخت کشی دارند و
 حمام و یک طاحونه و پانزده باب و کالین لازم دارند اشجار کمی چند نفر نخل بی ثمر و قلعه و
 میشود و باغات اطراف بقدر کفایت آبی سوه آبستانی مختصر موجود است آب نوبندگان
 از چشمه نهر حسن است و کواری هوای آن گرم و سالم مردمانش آرام و صلح فیه و خانه ها
 عالی دارند مرکبات و نباتات کثرت و صیفی آن مرغوب است آب نهری آن خانه
 شش پر سازی عالی از استیلا زینت اهل قلعه سادات عام میباشد کموردی می پیوندد
 بادام کوبی آن در تونج بسیار خوب میشود و کلیه این کوه تمام درخت و با منفعت است
 قلابی معروف ندارند نوکر دیوانی نمیدهند راه کالپکه از نوبندگان به ارباب
 طرف دوازده چاه است که آب مختصری در چاهها یافت شود و در باستان خنجر و از
 پشت باغات نوبندگان بطرف مغرب جنوبی جد میشود و باید این اسم تا قریه بهادر
 داراب بتسبیح نمود و از دوازده چاه میروند و بمکان نازک و نادان میشود و کلیه از نوبندگان
 الی دوان فرسنگ و آبادی آب خرد چاه شورند اردو بجای اردو مناسب نیست
 باید کالپکه بار از راه نوبندگان وانه نمود و از طرف شش شده و قریب اربعه بار
 به داراب روند و در منزل حسن آباد چهار فرسنگی داراب کالپکه بار از دوان که یک

فرسنگ فاصله دار و بار دوش می شوند و خارج تمسیر راه از نوبندگان الی دوان مبلغ
 ششصد چاه تومان است درین صورت راه شده و داراب کوه الی حسن آباد
 فاصله داراب تمسیری ضخم راه سازی منظور نمیشود چون ابتدا از کوه و مسکن داراب
 عبور کالپکه امکان دارد و باید با آب و تحت حرکت فرمایند و برای آنست که در
 این نقاط بتوان سبورات حاضر نمود و در حد و نوبندگان غرابی کلی وارد
 آورده حتی برک تریاک را هم خورده است خداوند رحم فرماید

منزل ششم

منزل ششم اردوی مبارک فریشت شده است فاصله نوبندگان و ششده و شش
 کسری است پس از حرکت از منزل راه در هشتاد و شمال شرقی است و یک فرسنگ
 از کنار جلگه زراعتی نوبندگان کجایان میکند و آب موجود است و مسکن کجایان
 در آخر جلگه پیدا میشود پس از ربع فرسنگ بدره رسند معروف بتکت موردی است
 از دانه کوهسار شود و از بغله سنگلانی باید عبور نمود و مسکن و آبادی موردی
 وسط واقع شده و رودخانه وسیل موردی که آب آن جلگه نوبندگان میروند از این
 محل جاریست و همه جا الی جلگه ششده همراه است طول این مسکن قریب یک فرسنگ است

جلگه شده که شش فرسخ طول و فرسخ عرض است نمایان کرد و از آخر کنگه الی خود
قریه قریب یک فرسخ فاصله است دوره جلگه شده بکوهستان قریح و قلا و محصور
خیلی محل بکوهی است شکار این جد و دگت بزها و زیری پازن و در کنگه دگت است
بنوای اینجا کرم و سالم است شده قریه ایست شش چار صد خانوار رعیت بومی و
چند باغ انکوره و بادام درخت نخل و غیره میبایست شود و مرکبات دارند در کوه و درج
در پستان بادام زیاد و عمل آورد و در زراعت آنجا غله و تریاک و لی اسال کفیر و مرغ
خورد است حمام دارند قبا کوه معمول نیست شلوک و صیفی میان بسیار خوب شود و
آنها قریب پنجاه و اوایل لیکن شترند از آب مشروب اوقات کواری این جلگه محل اردو
سایه است این قریه و سایر قرا جلگه الی قرا بلخ و خراک فضا می باشد

منزل پنجم

منزل نهم اردوی مبارک قریه داراکوه جزیره بلخ و آخر فاست خصله
این و منزل سه فرسخ و نیم است پس از حرکت از شسته راه در امتداد جنوب غرب
و کلیه در جلگه سطح صاف و هموار است که اول آن شسته و وسط آن قریه بلخ و آخر
آن داراکوه است و از کنار زراعت آبی و بومی چاهی معمولی و بات مر قومه بل عبور میشود

و در این زمین بی زراعت و بدو می شود این جلگه محصور است بکوههای درختی شمالا و کوه قلا
و چنگ بنجد جنوبا و کوه کنگه بدین که محصور است از بوده است شرفا و بسیار محل با
سکوهی است درخت درین جلگه کم میبایست شود و آب و بهای آن که قریه و فست است
و جزیش شده جنوب شوند محمود آباد و حسین آباد و اسمعیل آباد است که جلگه
نیفر خشک از یک کمر دور باشند و بهد ری آبادند که چند اردو تمام این جلگه را
تریاک است ولی حیث که اسال زراعت و تریاک را مرغ خورده است پس از کنگه
از شسته به بلوک قرا بلخ رسند که تمام آنها با چاه زراعت نمایند محل نشین این
اینا لوست ریس آنها جاقیقان لدا شاه نظر خان و دیگران و دوست خان و اردو
کانه این ابل سپرده و با و می باشد ابلات خالی آنها جز فاست و با و می آنها جز ابلات
خمس است قرا بلخ چیده است که آب مخصری دارد و اطراف آن فی زار شده
بواسطه کود می بین با رضی که نشینند زراعت این نقطه اگر خسارت نمیرسند
اندازه فاه و داشتند پس از کنگه شستن و قرا بلخ کلم کلم جلگه مر نور با تمام میرسد
سکت داراکوه نمایان کرد و پس از یک فرسخ یک قریه و قلعه داراکوه پدید شود که پنجاه
خانوار رعیت بومی دارد اینجا مخصری بون سیوه اسمعیل خا و توت و چند جلگه

در نزدیکی آبادی دیده میشود و خورده مالک است زراعت بسیار کند دارند حرفه آبادی است
 باقی و کوکند زیاد دارند و غیر از سرگرد و عادی شتر دارند و شکار گاو گوسفند و
 و پازن این چند و دو خوک در فی زراعت را اول است هوای این چند و بسیار گرم و با
 سوزند میوز و سردی است و در وی نام از آبها دیده شد که یکصد بیست لیتر در یک
 حرکت میکند و سوز چشمای آن بسیار است و میخواند محل از دور در آکو در یک جگه و یکصد
 که آب آن رغات شیرین زمین آن چمن خالی از صفا نیست در نقطه نیرمه نوع شکار
 میشود

منزل هفتم

منزل هفتم از دوی مبارک حسن آباد است حسن آباد و خالصه یوان اصلی است و
 فار و خاک دارد است فاصله حسن آباد و دار آکو از راه گردنه شتر سنگ است
 راه آن امتداد مشرق جنوبی است پس از حرکت از دار آکو بلا فاصله شروع میشود
 به بقعه کوه و پس کلان و سر ازیری سخت و سنگ عظیم و گردن پازیر که حرکت آن خیلی سنگین
 و یک نفر سنگ شیب فراز در امتداد منحنی باقی کوه و جنگل با عیب سوزند و پس از آن
 شروع میشود و پس از سر ازیری جلگه کنار پستان ارباب نمایان میشود و قریب یک نفر
 تا حسن آباد و برین کنار حرکت میشود و آب در تمام مسافت نیست و کوکبار خرم

دار آکو در فاصله کم بین بسیار زیاد است و شکار گاو از قریب در آن فراوان است
 پس از آنکه وارد جلگه کنار پستان شوند قلعه ما و وان راه و وار و چاه که کالک است
 نمایان میشود این جلگه اول خاک و ارباب خیلی طولانی است و با صفا و چمن زمین یک شیب
 ایل منی است که کلاتر آقا قاید حسن قریب پنج خانو ایل چادر شین اطراف
 دارد و قلعه حسن آباد چار به رحمت آن زمین از نور است زراعت آن غله و بر
 و شلوک و صیفی است آنرا زیاد و فراوان است آب محل از رغات شیرین و گاو
 از این محل فاصله داراب چهار فرسنگ است هوای آن بسیار گرم و پشه و کسب
 دار و دلی در زمان بسیار خوش هوا و بر علف است محل از دور مناسب
 شدن نمک نمک و معدن میان معروف در کوکبار شمالی و جنوبی میباشد شج
 اقی و میوه طایب و خنک از آن نقطه اشجار جنگلی و میوه و میوه زیاد است زراعت
 غله اریج و در تمام مخ خورده است بنا کوهی با و دارند ولی مرغوب نیست شکار آن
 جلگه در آن منسوبان کاهجی که دیده میشود جلگه حسن آباد که مشرف به جلگه داراب
 بسیار با صفاست

منزل یازدهم

منزل از دهم اردوی مبارک شد و از آب فاصله پانچم آباد و داراب چاه
فرخت راه آن در هشتاد و شش است پس از حرکت از منزل قریب نیمه
از صحرانی میگذرد که زراعت خود حسن آباد است و سایر دهات فاصله است و بعد
وارد جلگه و پس می شود که اشجار جنگلی کنار رود است و آبهای جاری می آید در آن می شود
فاصله آن تا کوه شمالی خرم ربع فرسنگ است شکار گویی شتی و در آن در این است
بسیار یافت شود و تله خرابه و زراعت منصور آباد در عرض او دیده میشود این
محل نشین ایالت پستی آنجا است پس از نیم فرسنگ رودخانه چشمه کلابی که با فاصله
از ریز کوه بیرون می آید عبور میشود و فاصله آن که رود شور قطع میشود و ربع و
فاصله دیگر رود شاجان پیکر دو پس از آن سیل رود و بزرگ رود بال باشد
که از آنک شبنامی آید و آب آن تمام بحکم داراب و دوجبور از این رود
به چوب پل حاجت نباشد و پس از آنکه مسافتی بقعه امام زاده حسین بن امام علی
النفی علیه السلام که معروف به پیر مراد است در جنب کوه باشن باریت شود
و قبل مالدوان و بر بویه و دولت آباد و مرز خشم آنجا و تبراب
و شمس آباد و میخ کورستان و خنجر د و برگون فاصله و حیا که اصل آنجا

و قلعه حبیبی بقاصد ای کلم در بین سب راه واقع اند و تمام این جلگه علف است
و کنار پستان اشجار جنگلی مختلف و آنجا زیاده در آن می شود و سنگ در آن
زیاد و خیلی با صفاست در کوه باشن اشجار باخیر و بادام و انگور زیاد و سیل آورد
مخ در این حدود از زراعت و غیره اثری نگذاشته است و حال هم مشغول است
در نزدیکی رود چشمه کلابی ترکس با طبیعتی روینده است و حال که اوایل جوز
خشک شده اند پس از حرکت از امام زاده مرز برف شهر جاده از وسط رختها
فصله شتر داراب میگذرد و تا بقریه و گون و در نمی رسند و از آنجا اول محلات
دارابست و باغات نمایان گردد و شتر داراب واقع شده است و جلگه وسیع منته
که کوههای متدکاه کوه دور کوه برف بردان مه و دشته است خانه ای آن
بدون قلعه و قریب یکزار و نهصد بابی غیر عالی و ولایت و پنجاه باب و کهن
متفرقه مختلفه و دو کاروانسرا و پیشه مسجد و چهار حمام و باغات زیاد و شجر با صفا
اطراف شهر و وسطا نماشاهه میشود که دارای اشجار کر میری مرکبات تمنا
ایمنوی آب فراوان میوهات سرد پیری مرغوب و در این پستانها باشد و جانا
قوام الملک در شمال شهر قلعه و باغاتی بنا نموده اند که مشتمل بر عمارات حکومتی و

نوکرد و یوانی و تو بخانه و محاسن و حمام و انبار و غیره است و از فئات معروف کتب
 مشرب و آب شود و بعد از بنای این عمارت شهر و ارباب مزین شد و قبل از آن منزلی بکته
 نو کرد و یوانی و غیره در شهر بنیاد است کنگار کوه از بزمیش و برفا و زهری در آن کتب
 و در بر دست شهر فراوان است اما سال تمام زراعت آن چند و در آن حورده است که آن
 از گیاه که نشسته و قبول نموده است بلخ در بانی هم تمام بر آن اشجار جنگلی
 بسیاری از اشجار تربیت شده کوه و اکثری از فالین باران نام نموده است از جمله اینها
 حیوان سینه با و ترانخ و به بقیه مشغول است در حدود و ارباب علامات قدیمه
 باقی از جمله فقه قدیم و در و ارباب بجز است که حال بقلعه و دیار معروف است
 ولی از بنای ارباب کیانی است و کفر شکست و بنی شهر است که کوه مجرومی را
 بقلعه خالی و خندق عظیم عرض فیعی که حال جسم آب دارد و نموده اند و در این
 محیط و کفر شکست است مقبره و حیه کلی معروف که بنایت از جانب حضرت عباس
 علیه السلام مامور و ارباب بوده اند در قریه حبشی است که نزدیک قلعه واقع شده است
 و کجرا از علامات تصویر نقش و ارباب است که هم در کفر شکستی شهر در کنار چشمه بزرگی که
 کوه خارج شود و جاری نموده اند و یوانی بطول ده ذرع و با عرض پنج ذرع و قطر و در

از شکست تریشیده شده تصویر و ارباب بابا پس حبیب و آب زرد پوشن سواره و نیم تنه
 بیت چهار نفر یاریده و کنگره جلوه آب است و معروفست قیصر و ماست و کنگره
 شخص بکلاه فرنگی در زیر پای آب افتاده و بکابل نظم می باشد نقش شده و لی مردمان
 تربیت اغلب این صورت اهدف کلاه نموده اند و بسیاری از چهره ها را محو نموده اند که
 تشخیص شود و یوانی از آثار غنیمه و ارباب سجده است که کوب با سابق نشسته بوده در دست
 کوه جنوبی و ارباب و نزدیک حسیه ارباب و جناب قوام الملک که کفر شکستی شهر است
 سنگ تریشیده اند و تمام آنرا از کوه کنده اند عبارتست از چهار صند و چهار شاه نشین
 دو محراب در طول پانزده ذرع و عرض پانزده ذرع و ارتفاع ده ذرع راه را و پانزده
 و دالان و سقف با کتیبه یکپارچه است که از سنگ خاره بریده اند و لی تاریخ بنای
 آن معلوم نیست و اما یک سعد در زمان و در پشته ششصد و پنجاه و دو و جلوه در چشم و
 بیا و کار جاری نموده

و دیگر آنکه یک باب طاقچه و دو تنوره جنب ایضا و پست صند ذرع مجرای آب و و از ده چاه
 که زیاده و ذرع عمیق دارند تمام اینها را از سنگ خاره تراشیده اند و اما کنگره
 ابد اندارد و حال قوام الملک این طاقچه را و از نموده فئات آنرا اصلاح نموده و

منزل خیر آباد غریب در جلوان است یا از شهر سگ و ساروجی در دامنه کوه تا
که الی غیر سگ و کشری می رسد و قلعه را بعد و شهرت قدیم آب می رسد و کله کا
خرا ساری آن بعضی بقیت و محیت است که این قیل اما محل حیرت است
پس از آنکه کالپکه با از جبه و از ده چاه بگله ما و آن حسن آباد پسند باید از شهر
حسن آباد و در آباد از صحرای کنار زار و از روی شهر با و خود و دهانهای کوزه و
کند و در چهار فرسنگ مسافت کلیه از بل ساری شهر ساری و سینگ بر صبی و صلح
راه و قطع اشجار بر روی بهم بسنج **پانصد تومان** مخارج و از دور شهر دارا است میباید
پیروی ساکن بستند

منزل و از دهم

منزل و از دهم اردوی مبارک قریه دولت آباد و بناوران است قریه بناوران ملک
جناب قوام الملک است و آخر قرار خاک داراب و جزر فارس و دست تمامه
شهر و بناوران چهار فرسنگ است راه آن امتداد مغرب جنوبی است پس از حرکت
از شهر راه در امتداد و نه روز از احتیاجی مستلحه حومه و زراعت قرار سابق که از است
تا تقریباً بگون پسند و این نقطه اول کنارستان است که بدامنه کوه با شل و

شود و جز بلوک و بول پس از غیر سگ و نیم تقریباً بختا جرد که بخاستان اردو پسند
بعد قلعه و زراعت شمس آباد و بدین شود که بخاستان مختصری اردو شکار این جگه است
و خاک و در آنجا است از این نقطه قلعه و جیا خوب نمایان است و در تمام آباد
آبهای جاری دیده شود راه کالپکه از و از ابالی دولت آباد و بناوران با تعمیر شود
که عبارت باشد از عرض نمون مرتز از اضی نمایان کوچک و بی شهرهای عمیق و چیده
سگ را با و بسنج و **دویست و پنجاه تومان** خرج دارد پس از حرکت از شهر
نیز از اطراف جنوب غربیت و از میان زراعت با یکدیگر و بناوران و در
و بعد چمنی وسیع دیده میشود که ابد است و بندی دارد و محل شبنم ایلات بناوران
و خانه ریحان خان است پس از ربع فرسنگ باشد و در و شور و کلانی پسند که بگو
خورد و بعد از آنکه بناوران دولت آباد و بدین بناوران قریه است که در
چاه خانوار رعیت دارد آب آن از چشمه معروف بناوران و شیرین باغی در جاقله
که دارای نخل و مرکبات و سبزی و میوه است و بناوران و خجسته و کمی میوه است و بناوران
خام و بسیارند از غله و این تفصیل جزئی معلوم نشد شکار آن کوه سمت سیاه
معروف بر در کانه بگت و قوج و بازن یافت شود و باغات غیائی و با و آن دولت

در اطراف آبادی یکی است یا نخل نمایان از زراعت این حصه و دو غله و تراباک و فبا کوز این
نقطه را به طرف جهرم سه شعبه شود یکی معاد و دوت بلو و دوازده است و بر شش شعبه
خیزه یعنی نمد آمدن بر اجب نماید در این صورت باب کا لکله با آرا و و از دو چاه کاسینه
السابق بر گردند و در نو بنده کان بار و دوی شود و از آنجا به نصیر آباد و بعد جهرم و راه از
نوبندکان به باسیغ **نصبه تومان** بنامه تیسر شود یکی دیگر راه خود و از دو چاه است
که کله ارد و کا لکله از این راه بروند ولی چون این راه در فرج آب نداد و بجهت ارد
شائب نیست فقط کا لکله باید خالی از این راه حرکت نمایند و باب چاهانیا
کنند یکی دیگر راه معروف بگردنه قلب است که نصیر آباد و در این صورت هم
کا لکله باید از دو طرف و از دو چاه در حرکت آیند و از طرف گردنه قلب
حرکت فرماید و نصیر آباد کا لکله با از طرف نوبندکان در صورت تعمیر
بار و دوی شود

منزل سیزدهم

منزل سیزدهم از دو جای بارک نصیر آباد است فاصله این و منزل یعنی از جسد
نصیر آباد اگر گردنه قلب به سمت فرخنت راه آن تقریباً دویست و دو فرسنگ جنوب است

در این راه آب آید یافت نشود و ناچار باید شش فرسخ یکدفعه میوه و کمره گذرستان بعضی
چشمه سارهای آب شور دارد پس از حرکت از بنا در این ضلع و آن در سمت دوازده کله صاف
و سطحی است الی کفر سنگ و نیم و بعد راه از گردنه قلب که پیش کلان است و از این
دو رسته کوه دارد از آن کوه و جانش میگذرد و کوه کم آما و چکل و پید و پس از آن
دامنه و گردنه معروف بقلب نمایان شود و از دامنه شرقی الی دامنه غربی کفر سنگ
که در بسیار سخت ولی تحت روان آب و کوهن است در این کوهها چکل و چکار کوهی
بجدرت و کاهی پلک یافت شود پس از گذشتن از گردنه بارکلی از راه تقریباً دویست
مسلم است و از راهور با و صحرا چکل و چکل و چکل و چکل و چکل و چکل و چکل و چکل
نخت و از روی سنگهای سخت بگذر باید عبور کرد و چکل بن اینجا خالی نموده است و در
این حد و قساق ایستاد پس از آن جلگه صاف سطحی نمایان شود که خاک فاساد الی نصیر
آبادی ندارد و کوه سار فقه طبر معروف از چهار فرسخی نمایان است که چاه نصر سار فقه
مستطقی هستند نصیر آباد یکی و کیل فضا قرایه است بزرگ ولی از گردنه خانه های و از راه
ما نصیر چکل و بر آن نموده و از راهی که چند خانوار رعیت و باغات آن نخل و انار و سیب
بسیار گردم و زراعت آن غله و تراباک و سیب و فاله است بسیار خوب شود آب آن از



رشته قنات کو ارا و دهانها پناه شود یک باب تمام خرابه و اندر قریه برای احدی منزل
 یافت نشود محل ارا و در سمت شمال قریه و سمت جنوب ارا این نقطه بسیار خیر است و هم
 بهشت فرشتگان است از منزل بسیار آن که حرکت شود و دوات مکی قوام ملکات است
 از قبل خیالی و دولت آباد و ماوراء ان و فیض آباد و در عرض او قبل از تکلیف
 شود و بعد از فیض آباد و ابراقیه و آب آباد می شود و در محاذات نصیر آباد قرار
 را ارا آن و خرنجون نمایان پسند سکار این جگه آید و در محل عرض او قریه و
 و یکت موجود است از این اوقاف حرکت کند ولی بسیار امن است در نصیر آباد
 ظاهر نیست کندم و جو خود را دست آسباند نوع خرمای آن بسیار خوب سالکی
 از ترابک و غله آنرا مرغ خورده است و لیکن حاصل آن باز بسیار باد است اگر نخواهد این
 راه را و ندانند که شرح آن کرد شد بجهت کاسب که تعمیر نماید فقط در مدت یک سال و با بسنج
 و بهر از و و **است** توان خرج هلاک شود که بیشتر آن محل آب ولی کاری است و
 ابد اجازت نیست باید بر راه و و از و و چاه قنات نمود

منزل چهاردهم

منزل چهاردهم از و و می مبارک بابا عربت قریه بابا عرب مکی حاجی سبزه محمد حکیم بابا

و بسج ملکات است و خرنجاک جهرم فاصله این دو منزل بسیار است تمام است
 راه آن اول و جنوب و بعد جنوب غربی و بعد غربی است و خرنج را به حجت
 حرکت کالکد بسیار خوب است و سطح مکرر که در حوالی آبادی نصیر آباد و بابا
 بجهت جلوه نماید و این نواحی دو باب اول و مختصر می سیر جداول مرز بابا
 و خارج آن **میستند و چاه** **توان** است پس از حرکت از نصیر آباد و قریه نصیر آباد
 راه در امتداد و از اعنمای مختلفه است و بعد از کفر پستک و نیم در صحرا
 صاف سطح بی پستک و مانعی است و بعد از این در اعنمای دوات کوکب
 و تیره و چهار طاقی و ماوراء ان که در زمین بسیار راه اند حرکت شود و در تمام
 این مسافت چند آب قنات و چشمه دیده میشود که اکثر آنها غیر مشرب است کوهستان
 قلعه طبر و البرز کوه کعبه و می از طرف بسیار بفاصله خیر پستک نمود و از اندر در
 زمین از تپه و ماوراء قلی عسکری واقع میشود و در تپه چهار طاقی روی می آید
 مختصر می ساختند اند که چندان امنیت ندارد و بعد مقبره نمود و اندک شکار
 جگه آید و یکت و تپه فراوان است اهالی دوات به سطح بومه درین حد و دور
 چادر کشنی دارند و هوای بابا عرب بسیار گرم است این قریه مثل است بر قلعه

بعد از آنکه تعمیر نموده اند چهل خانوار رعیت بومی اردحام ندارند بسیار کمی
و این است قریب کثیر از نخل در حوالی قلعه جرس نموده اند غیر از آن شجاری نیست بخت
آنها غله و ترپاک و فبا کوی متوسط است نخل ایجار کمتر از نیت رسانیده است سرای
بزرگ که قریب سه شکت از جلوه آبادی باری بطلب آباد جناب توام الملک مسیر
و این محل اردو سائست است از این نقطه به جرم چهار فرسنگت سر از این نقطه طلعه
از این مسیر آذوقه حمل نمایند

منزل پانزدهم

منزل پانزدهم اردوی مبارک شهر جرم است فاصله باین بابا عرب جرم چهار فرسنگت
را که در سمت او مغرب و مغرب جنوبی و جنوبیست وضع را پس از حرکت از منزل
قریب کثیر شکت در کنار نهر در بعضی نقطه دمانست تا بر روی پسته معروف
برو و شود که قریب دویست فرسخ پس از آن آب کمی دارد و در وقت روز باده
بی لازم نخواهد بود و در اطراف آن فی و کز باده رویده است و محل کثرت در آن
خوکست گیت هم دارد و این دو جان است که از نیت کرم فامی آید که شرح آن فبا
عرض شده پس از حرکت از رود راه در سمت او جلوه است که پس کلان و ماهور باشد

فرار سب و در کنار راه اشجار کثرت دارند و میوه و فستق و قلعه جرم و در زیر و قراون
و حیدر آباد و حاجی آباد و در بین و سپار راه و بدو میوه و انداختن در این راه
ملاحظه شد و تا شهر جرم همین قسم است در کثرت جرم آثار باغات و نخلستان
زراعت ویم بطور رسد تا وارد شهر شوند حرکت کالیکه را مانعی نیست مگر آنکه باید
طرف بابا عرب برو و شود و نزدیک جرم چندیل کوچک است بشود و کنار نهر باصلح
کرد و دو شکت راه بر چیده شود و مبلغ یکصد و هشتاد تومان خرج دارد و کنار این طایفه
و البرز و در زیر که در بین و سپار راه و انحصار اند در آن و گیت و پانز فست
شود که در طرف بسیار که جرم در پای آن آفتاب بسیار سخت و بجای معروف است
منزل کیبا و کیانی بوده در جنوب این کوچه فاصله پنج شکت آثار سخت و انحصار
و کج نموده است که خراب شده کوچه طبرسم شده و مشبه از البرز است شهر جرم
از بله آن قدیمه فار پس بعد از شهر از جرم شهری بزرگتر دیده شده بلکه از کاروان
و آباد و بهیهان فضا و داراب لار و غیره از همه شهر قش شیر است و آباد و در جلوه
کنار کوچه البرز و آفتاب که طرف شرقی شمال آن این کوچه است و طرف مغرب آن
کوچه گرم اتصال دارد و هوای آن بسیار گرم و در آن نخلستان و ماهور خوب است

که تقریباً بی هزار نخل شمار شده و شمار مرکبات از قیس و سیل و لیمو و آب و انار و خربزه
 سایر میوه و نباتات استانی در خانوار باغات و در شهر فراوان است برف در چاه های
 البرز مکن است ولی در خط آن مساحت می کنند آب جاری در شهر و اطراف نیست تمام
 خانه ها از چاه و برکه های آب باران شروب شود و کلیه زراعت غله و نباتات و حبسینی
 آن و نخلستان غیره را از چاه آب معمولی می کشند و در تبریزی شهر بعضی از مزارع دارند
 معروف بر بساتین که آب جاری دارد و ولی نه زیاد و شهر جرم عبارت از دو ازوه محله است
 که شش محله آن خارج قلعه شهر و جمع کو از م خود را از حمام و کا کین باغات مسجد را
 و کمتر شهر است حاج خوانند داشت و شش محله دیگر آن در قلعه کهنه مخروبه محصور است
 که موقوف محمد حسن خان جرمی بنا کرده است و چهار دروازه دارد و کلیه خانه های آن
 خارج و داخل قریب شش هزار باب است که چندی آن وسیع و عمارات عالی است
 ولی بواسطه بیانی نیز نیست و در دو باب حمام و چهار درپ که یکی سر باز می شود
 و چهار باب کاروانسرای تجاری عالی و قریب یک هزار باب و کا کین متفرقه لازم دارند و اغلب
 با آجر مصطفی است درخت که در این شهر از چهار شوی و جاقعی از میوه و قریب پنجاه
 در این شهر به پله دری شمول می باشد مردمان این شهر آرام و اغلب متمول و در عت

آنها و مردمانی آن بی شایانی و طب آن معروف و تنب با کوی جرم خاصه مردمان بکون
 ممتاز و اعلاست مرکبات جرم با طراف حل شود و تریاک و نسیج آنهم بسیار مرغوب شود
 چند نفر از ده و در شهر جرم با طراف عالی دیده شده که از همه معروف تر مشهور شده و شایان است
 و بست محترم جرم است از قریب سیل ساعی در جرم یافت شود و اکثر از بند و عسل و عجا
 حمل شود حاجی میرزا کریم خرف شیرازی در این شهر علاقه کلی و اطراف و باغات
 دارد و بازار آجری کاروانسرای حمام معروف جرم را با بسیار بی انجمن ملک است
 در فناء و در آب جرم پستانه دوتی که فاصله حمل کاغذ و امانت می کند و از اکتفا
 سرباز دوتی سمیه در جرم توقف دارند و آپال از فوج کرده است اهل جرم اغلب
 و دارای فضایل اند علامات قدیمه در جرم خرد چند باب چهار طاقی روی تپه ها که کور است
 انگه بوده و همیشه ندارد و آثار کوره کوره البرز خیز و کبری نیست قبر کارزین در این
 حکومت است ملای معروفی خورشید الاسلام معمولی ندارد حاجی میرزا محمد علی جرمی
 در چند سال قبل فوت شده و شخصی بنی نظیر می بوده است اعلی الله مقامه صلی
 شیراز و جرم از طرف خرو و کوارسی مشک است و لیکن از طرف فنا چهل و هشت
 نباتات آن قریب نیست و پنجاه تومان است نخلستان اطراف جرم قریب سه

طول و عرض پشک عرض دروغ بعضی از مزارع جرم را خورده ولی نه چندان که آنرا زیاده
رسانده باشد و باقی غله خورده و از سر اریل است
حیدرآباد و وزیر دولت آباد مکرر ابدالان هر موج کوسه
در سه معروف بدر پسته خانرا از طلب گرفته اند و سر باز خانه دولتی است و نام آن
محض دعا کوفی ذات بیروال الله پس ظل اللهی ارواح العالمین فی سر باز خانه پشک
درین شهر ساخته شود و شرح آن زیاده از پانصد تومان نیست و نه نفر پشکی در جرم
مشغول خدمت و حرکت پسته میباشد و اغلب آنها در کار و نسر ای موکات حاضر
خدمت میباشند

منزل شانزدهم

منزل شانزدهم ارووی مبارک کار و نسر ای موکات است فاصله با بین پشک شهر
جرم پنجه پشک راه آن در پشته او شمال شمال غربی است پس از حرکت از جرم نیم
فرسنگ فاصله باغات و بساتین جرم که آبهای جاری اردو اشجار مختلف غمراز
نخل هم دارد و میرسد که هوای آنها عالی از لطافت نیست و قریب یک فرسنگ شریف
غربی و نیم فرسنگ شمال جنوبی طول عرض این بساتین زراعت و جرم حد و آن است

در دشت سابق هم از وسط این جلگه بساتین میکند و حاجت پل ندارد و فاصله آنرا
حیدرآباد و باغات آن طرف مشرق نمایان است و بعد از دو فرسنگ دیگر در طرف
منرب در اینه پسته و ماهو فاصله و مزرعه دیم کار کله امچه علی حاجی میرزا کریم صراف
واقع شده که اندک آبی و شصت خانوار رعیت دارد و زراعت آن غله و دیم است
و اشجار هم در پس آن است و در پشته او موری است که از اینه پسته ای که گوهر محسوب
و کم کم آثار جنگلی پیدا شود و آب ندارد و اما در موکات شود و کلیه این اینه از موکات
که مال از فخر بازمانده و نه قطعه پشک سنگی دارد که عبور کالک را مانع نشود و عموماً
و فجاج بر دشت پشک از وسط راه است و جلالت سه فرسخ چهار صد تومان است و
عمدات با نهایت صنوبرت حمل شود و شکار این جلگه در کوهسار و اینه کوه کبک کمی
درج و در کوه بزرگادر بر می یازد و یافت شود و پشک نیز گاهی پیدا شده است کار و نسر
موکات از اینیه صنوبرت و خراب شده و قریب پانصد تومان خرج تعمیر دارد و چون
در این حد و نمر گاه نیست از الزم امور است آب این مکان چند چشمه نیکو دارد و آب
انبار که به برکه معروف است و بجهت اردو خیلی مکان با جعرت و ناشایسته است چاه هم
و نه نفر پشکی در این مکان مشغول حفظ طرق و حامل پسته میباشد این کار و نسر از فاصله

که دانسته که جنگلی گرم است و بسیار گرم و پخته و در آن که در میان آب است
خاک جرم نه و در شریخ بعد است

منزل هفتم

منزل هفتم از روی مبارک منسج آباد است فتح آباد یکی جناب صاحب یوان
و جز بیلوک خراسان فاصله با این موکات منسج آباد سه فرسنگ و نیم راه آن
در امتداد شمال غربیت از ابتدای منزل الی آخر آب جو در آن پس از حرکت
موکات فریب غیر سنگ در امتداد و دانسته و با هر کوه گرم و جنگلی سابق با بدست
نمود و این قطعه راه پس کلاخیت بسیار سخت و پس از آن الی و فرسنگ دوم
در امتداد جلگه سطحی است که کتات شجار جنگلی در آن یافت شود و کمی پس از
راه دیده شود و بندرت نشیب فرازی می شود و شود و از اینجا خاک جرم تمام
بخاک خضر شروع شود و حرکت عراوه را چندان ثقیلی نیست و از اطراف آباد
آباد می باشد و نه شود و با قلع منسج آباد در سند خارج اصلح راه کلیه **مقصود است**
فتح آباد و قلعه است جدید است که جناب صاحب یوان بنا نموده اند و بسیار
رحمت دارد و از آب رود قراغاج که از کوار می آید مشروب شود و خرباع مختصر

مرکبات که هنوز در خنای آن کوچک اند و دیگر اشجار می نمارد و در کنار آبادی حصار
کمی رود و معروف بقراغاج ملاحظه می شود که در نهایت کوارد کی جار است و با اینها
بزرگ در این و یافت شود و راه از کن در و دست حاجت بهر از رو نیست
قریه تا و آن که نیز ملک جناب صاحب یوان در پست غربی رود واقع شده
مشتمل بر یکصد و پنجاه خانوار رعیت و باغات شمر مرکبات و نخل و انار و آلو
با دام و غیره که خیلی آباد باشد و کمی است دیده می شود در این و آبادی بسیار
مسجد و تمام و طاقخانه اند در محل تا و آن اما در خرابی می بینیم که ولایت
آبادی معتبری می کند بسیار دیده می شود و چند چهارطاقی که معروف است که
در این آبادی باقیست سکار این جنگله و کنار رود کبک زیاد و آب و قوچ و میش
خوک زیاد است مرغابی ترسته و آن اردو و منور از حد خانه زیان راه بود
بسمت کوار و بند بهمن می آید و از اینجا بیلوک میرسد و از خرد و همین منسج آباد که
بقیرو کار زمین میرود و جنس آن بکر میرات و از اینجا بخلج فارس میرود

منزل هجدهم

منزل هجدهم از روی مبارک بابا الی راست قریه بابا الی بزر بیلوک خراسان

فاصله این آبادی آرد و مستراح که از دامن کوه سفید ارمیکند و در پنج خشت
و محل آرد و کنار رود میرسد شکار این جنگله و کوهسار مجاور آن بود که یکت قوج و بز و پرا
و یکت است شهر خرم علی حاجی عبد الحسین خان میرنجه و باب انار یکی جناب تو اتم است
و دو آبادی متصل یکدیگر است در حقیقت آبادیهایی بلوک خوار خشیب اشجار زراعت
در طول چار فرسنگ یکدیگر چوپان است زراعت آنها غلاتی و دیمی و شتر و
صیغی و میوه جات آنها باغ اوزه و زیاد است که گذشته از کفاف اهالی بخارج محل
و مال تجارت است زیرا که این بلوک بسیار ممتاز و زیاد است زراعت غله را اصل
زراعت زود است ولی مرغ اینجا نایاب است

منزل نوزدهم

منزل نوزدهم اردوی مبارک قریه سمیع خراسان سمیع آباد و یکی حاج محمد مدینی
شاهزی است و آخر بلوک خراسان این قریه در کنار رود مستراح و دامن کوه سفید
واقع و فاصله بین شهر خرم و سمیع آباد پنجه پست است وضع راه پس از آن
از منزل و بهر نسبت و تا دو فرسنگ و نیم همه جا در جنگله و از این بین دو کوهسار است
عجور شود و یکی شیب و قرار و اردو محاذی سنگ بونه مدی میرسد و از اول الی این نقطه

جنگله یک کوه تا جلوسه بسبب حرکت کند و دوات جبهه و آب و شت پور و با لاشتر
و علی آباد و پست شمال رودخانه بنام صد اندک نمایان قرار نعمت آباد و مجاور
در جنوب رود و کوه رود دامن کوه سفید ارمی است از این نقطه راه دو شعبه شود یکی
از پشت سنگ معروف براه بونه مدی است و تقریباً کاله میگذرد و دیگری در شیب
طبع شمالی رود و از دامن کوه و چند دایمی سخت و صعب جنگلی است که عالی از حضرت در
نیت آباد و سمیع آباد و گذر راه اول میگذرد و از سمیع آباد و عبور فقط باید کاله
از راه خط سیر داد تا بقریه آباده که از رسد و تعمیر آن چهار فرسنگ سیصد تومان است
و کاله با دو کوه سمیع آباد و رانی بینند که در جنگله کوه بار و دوی پاک طبع شوند و در
که آن راه تعمیر شود چون راه منزل نیت یا چار باید اردو و سمیع آباد و منزل نمایان
حرکت فرایند و از سمیع آباد و بظفری کوه بار با سبب رود از جلوسه بونه مدی که راه است
و به سمیع میرود و همه جا راه از شیبهای کوه جنگلی و کنار شیب رودخانه و افواج است
و عالی از رحمت نیت و راه سازی آن معتدرو بنیاد است و خارج منظور عبور و در
رود و به سمیع آباد باید بدون پل از رود گذشته و اگر فصل زمستان باشد ممکن نیست
راه نهد آنوقت باید منزل از سمیع آباد و تعمیر داد و بظفری کوه بار قرار داد و سمیع آباد

نیشود و آنوقت فاصله بین باب النور و مطنفری نه فرسنگ شود و چون آبادی نیست چنانچه
 در اسمعیل آباد قریه اینست شجر آمده و دارای یکصد خانه از جنس در کنار رودست و کاف
 و دانه کوه غیب دارد و اشجار انار و خجیرالی و دیمی مرکبات و انار و گیاهان غلب
 اشجار کوهی خاصه خجیر که با نازده نازده شود درین آبادی کوهساران دیده شود و رفت
 فوجی اغلب در تابستان یافت شود و شکار آن گنک فوج پیش و بک است و کوه
 رودخانه کلهای مختلف خاصه خزه الوان شده و است یکجای تمام محروم و بسیار
 مختصری هم دارند و زراعت اینجاست و در این مطنفری آباد و باب النور و اسمعیل آباد و فوج
 زنایند و لیکن کمی کنت زده و اما مویجات آنها خوب و آفتی دارد و جگه اسمعیل آباد و جبهه
 محل اردو بواسطه قریب رودخانه و کنار اشجار جنگلی خاصه در فصل پستان بسیار خوب
 صفا و سگوده است و در کله این بلوک زراعت و بوم با وجود آب قراچ بسبب خوب
 شد که آنها در نهایت آباد و فتنه و ان است قریه اسمعیل آباد و آب سرد متصله
 یکوه که کمی فاصله دارد و هر دو کلی طبعی محمد مدی سر بر است و آب سرد اشجارش خاصه
 و بجز کوهی دیمی است الی بکشت آنها الاغ قریب هزار حشمت که قصد دارند الی
 این صده و در بک و مرکبات و انار و خجیر کوهی است

منزل نیشیم

منزل نیشیم اردوی مبارک قریه مطنفری کوار است قریه مطنفری کوار که وسط جگه کوار
 فک جاب قوام الملک است فاصله بین اسمعیل آباد و کوار چهار فرسخ تمام است
 چنانچه در منزل قبل عرض شد و اما ای اردو و اسمعیل آباد و آب بدون کالک با
 حرکت نمایند و از مطنفری که راه بونه مدی را مطنفری کی شود و مسافتی شوند
 کالک سوار شوند و وضع راه پس از حرکت از منزل تقریباً مغرب شمالی است و کاهی
 والی میفرسنگ و نیم پس از گذشتن از رودست و قراچ که از نزدیکی اسمعیل آباد عبور شود
 باید در امتداد و دانه کوه و خجیرای بزرگ جنگلی و شبیه قراچ و رودخانه قراچ
 سیر نمود و حین ان صعودی دارد و کله تخت روان بخوبی گذر و دمه جار و خانه نمایان
 و همراه و زراعتی فراوان گنک و گرفت و بدیگان و خرمای و ده شیر
 که در سمت جنوب رودستند و زراعت آنها در شمال دیده شوند و جنگل مختصر و بادا
 کوهی فتن در دانه شده و شود شکار خوک و بک و ذراغ و قوج و پیش و غیره در این
 است و بسیار است و اصل او خیلی با جفا و عجمه با آب موجود است و پس از آن
 از انور با جگه و سپیدی نمایان شود که اول بلوک کوار است و دوات آباد و خجیر

منزل بیت و کلمه ای بزرگ است بر ده نواست قریه ده نو علی جناب قوام الملکات
جز جومه شیراز است و آشنه فرسنگات و نیم فاصله دارد فاصله ما پیش فری
وده نوش فرسنگات است وضع راه پس از حرکت از مظفری در امتداد شمال غرب
و شمالی است قریب یک فرسنگ از کنار زراعتی مختلفه آبی و دیمی خود قریه مظفر
در زمین سطح صاف عبور کند پس از آن قریه البر آباد که دهی است آباد و معمور و
درخت و اهالی آن درخت بزرگ سنگی دارند و ملک جناب صاحب دیوان است
منا بیان شود از کنار زراعتی بمی آبی این قریه است پس از آن قریه کاسم آباد
و محمود آباد در همین و بار جاده رویت شوند و نیز زمین صاف سطح است قریه
فتح آباد باغان ملک جناب صاحب دیوان صله یک فرسخ از سمت یسار جاده
شود و این جلگه کلیه زراعت با کوه مرغوب قرار مذکور است و واقع شده است
با این و کوه این باغان بود که تقریباً فاصله با این و کوه در بعضی نقاط
فرسنگ و نیم و دو فرسنگ است و در انتهای این جلگه بخودی خود کوه کوچکی در
این جلگه را قطع نماید و از اینجا راه دو شعبه شود یکی از روی امنه و قلعه این کوه و
قوافل است و عبور از آن عالی ضعیفست و در حقیقت نیست و یکی دیگر از سمت برده

مخصوص که راه کابل است و یکی سنگات سنگی و سنگی بر چنی و اصلاح دارد و خروج میران
قریب مبلغ **هفت و ده مان است** و این در او یکی از قلعه که بگردنه بابا حاجی معروف است
و یکی از دره این باغان دکت در پشت شمال گردنه نزدیک کاروانسرای کبک متصل شوند
عبور گردنه من باب پس کما می آید و لغز و ضاف علی از رحمت نیست و از قلعه این کوه
کو تمام جومه شهر الی شیراز نمایان است و زراعت و چمن دکت و جبب زرد و چاهها
بنظر آید و خیلی با جفا و شکوه است و در پائین گردنه کاروانسرای اسپاه آبی نمایان
شود که محل قلعه است و چند صله درخت توت و نارون قوی دارد و سپاه است
بزرگ که اطراف آن فی زراعت از جلو کاروانسرای جاری است و بصیریه ده نور
درین نقطه پشت نفر یکمی مستطط را و منزل از مدرم شانه زاده حاجی معتمد و کوه
علیه چند نفر مقصرا در اینجا بروی سپهر که گرفته اند که عبرت ناظرین است پس از کوه
از کاروانسرای کبک و نیم در امتداد جلگه سطح زراعتی و چاهها عبور شود
بقریه ده نور پسند قرار بیدند و نقشه کوشک خیل دکت و غیره در این
راه با کوه زیاده مرئی پسند در کلبه این راه از اول حرکت مظفری الی ده شکار
و در بعضی نقاط سپاه آبنازاره و کوهسار قیچ و شیش کانی یافت شود اهالی این با

در باستان از قلعه و آبادی خود خارج شوند و در زیر چادر پکنی نمایند و در نو فرست
ایا که آب آن سیاه آب مذکور و با با حاجی است و فاصله در روی پنهان شده که
شخصت خانوار در آن منزل دارند عمارت اربابی محضر و حامی مخفی در دار و در جلوه
باغی اربابی است بسیار بزرگ که شش اشجار چار و فسنج و سروهای کهنه و
جاست تابستانی است و خیلی باغ معتبر اجنای عالی است ولی مهال شروع نموده
بقطع اشجار چار آن در حقیقت بعد از این طراوت خواهد افتاد و یکطرف جلوه که
بقاصله یکطرف پستک برشته کوه مهار لو وصل شود و طرف دیگر صحرا می رسد و توابع شهر است

منزل بیت و دویم

منزل بیت و دویم اردوی مبارک خود شیراز است فاصله ده و نو شهر شیراز
فونکت وضع راه تقریباً در امتداد شمال است پس از حرکت از ده نو در امتداد
زراعتی جلوه آبی و آبی خود و پیر شود و بجهت کالسه تا پل فسا که تقریباً نیم کیلومتر
فاصله است که از چند باب پل کوچک روی نهر بایست شود که پل فسا پسند درین نقطه
راه منزل بیت و دویم و راه منزل اول تلاقی نمایند و همان بات و مزارع معروفه
بنظر رسد و کوپستان شمالی غربی شهر شیراز که بلو و بنو و برنی معروفند پدید شود

ایمبارکی و پس از آنی و سمیت اردوی مبارک و اردو شهر شیراز خفت بالا من الاغ از
بقون الله تعالی مبین احسانه

حمد خداوند تعالی قادر لایزال را و در و بی پایان بنمیس بر بزرگوار و آل طایفه
سلام الله علیهم جمیع باد که این اپورت مسافرت از شیراز به فسا و داراب و جرد
و جهرم و خفسر و کوارالی مراجعت بشیراز در زمان فرمان فرمای حضرت پست
اشرف و الا شایسته و مستند الله و له العلیه و ام الله تعالی عمره و اقباله العالی باموت
و قلم این خانه زاد دولت ابد مدت قاهره محمد حسن میرزا مند پس قاجار صورت خستام
پذیرفت فی شهر شوال المکرم مشهور است هزار و سیصد و شصت

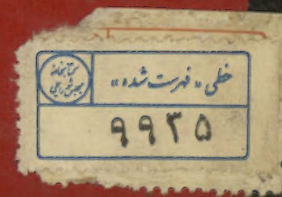
مطابق با توشقان میل کرده

نقد او شازل از شیراز شیرستان	مسافت بین کلبه شازل	مخرج مسلح در راه با بود
و فسا و داراب و جهرم و خفسر و کوار	ایا که آب آن سیاه آب مذکور	کتاب سحر
الی مراجعت بشیراز	رفعت نرسند	مست
مسافت نزل		



ابتدای شروع بر آب پری این خط
 اول برج مغرب است
 طول است بجهت راه زحل
 عرض فتح خمر خمر سوم
 دوت و بیست و نه است
 از رشتان در چهار کوه
 چنانچه
 خبر از حمار را به چند روز مال
 و حساب کار و پیمان از دو روز است
 که غنیمت آن در جزو اجرت است
 حکومت هارس بنه کاب

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the manuscript's content, featuring various names and titles.



کتابخانه مجلس شورای ملی

خطی - فهرست شده

۹۹۳۵